

## پایان خونین حرف زدن بادر و پنجره



برادر م با در و پنجره حرف می‌زد. می‌خواست من را هم بکشد که ناخواسته قاتلش شدم پشیمانم اما واقعاً چاره‌ای نداشتم.

به گزارش «ایران»، عصر دوم بهمن ماه سال ۱۴۰۱ به مأموران کلانتری خانه خبر رسید در خانه قدیمی در جنوب تهران جنایت خانوادگی رخ داده و مرد ۴۰ ساله‌ای به نام مسعود چاقو خورده است.

با این تماس مأموران به خانه قدیمی رفتند و جنازه خونین مسعود که شواهد نشان می‌داد با ۲ ضربه چاقو از پا درآمده به پزشکی قانونی منتقل شد.

### من قاتلم

برادر ۳۷ ساله وی به نام میثم خودش را عامل جنایت معرفی کرد و گفت: برادرم معتاد بود و دچار توهم شده بود و می‌خواست مرا بکشد. به همین خاطر در دفاع از خودم چاقو کشیدم و او را در غیاب پدر و مادرم کشتم.

وی به بازسازی صحنه جرم پرداخت و در تشریح جزئیات ماجرا گفت: برادر بزرگم ۲۰ سال بود که به مواد مخدر معتاد شده و زندگی مان را تباه کرده بود. او همیشه پدر و مادرم را اذیت می‌کرد. چندین مرتبه او را به کمپ ترک اعتیاد فرستادیم اما هر بار از کمپ بازمی‌گشت دوباره

سمت مواد مخدر می‌رفت و اعتیادش را از سر می‌گرفت و رفتارهایش مرا خسته کرده بود.

### حرف زدن با در و پنجره

وی ادامه داد: وقتی برادرم هروئین و شیشه را با هم مصرف می‌کرد دچار توهم می‌شد و با در و پنجره صحبت می‌کرد و فریاد می‌کشید. از رفتارهای برادرم می‌ترسیدیم و باعث شده بود آبروی ما پیش فامیل و همسایه‌ها برود.

### جزئیات صحنه برادرکشی

وی در تشریح جزئیات روز جنایت گفت: آن روز پدر و مادرم به شهرستان رفته بودند و من و برادرم در خانه تنها بودیم. عصر من در پذیرایی خواب بودم که مسعود با لگد مرا بیدار کرد. او می‌گفت باید به اتاق بروم و آنجا بخوابم؛ چون می‌دانستم تحت تأثیر مواد مخدر حالش خوب نیست حرفش را گوش دادم و به اتاق رفتم اما دوباره سراغم آمد و از من خواست تا ظرف‌های کثیف را بشویم، به آشپزخانه رفتم و مشغول شستن ظرف‌ها بودم که ناگهان مسعود با گوشتکوب به من حمله کرد و چند ضربه به من زد که توانستم گوشتکوب را از دست بگیرم. می‌خواستم از خانه بیرون بروم که او مانع فرارم شد. همان موقع سعی را دور کردنم انداخت و می‌خواست

## این پسر تانیه‌ای سرقت می‌کرد

## پایان جولان پنجه طلا

### گفت‌وگو با قاپزن موبایل

چند سال داری؟

۲۳ سال.

با این سن و لقب پنجه طلا؟!

نمی‌دانم چرا اصلاً از لقب پنجه طلا خوشم نمی‌آید!

سابقه کفتری هم داری؟

بله.

قبلاً چه اتهامی داشتی؟

به خاطر سرقت موبایل بازداشت شده بودم.

باز هم که به همین خاطر بازداشت شدی؟ چرا؟

از روی تنگدستی و دوستان ناباب.

قبل از دستگیری چند گوشی سرقت کردی؟

قبلاً ۱۳ موبایل دزدیده بودم الان ۱۱ موبایل.

چطور گوشی‌ها را سرقت می‌کردی؟

از حواس‌پرتی خودشان سوءاستفاده می‌کردم. بیشتر توضیح می‌دهی؟

افرادی را که در مکان‌های خلوت گوشی به دست در حال صحبت بودند زیر نظر می‌گرفتم و سوار بر ترک موتور سراج‌شان می‌رفتم و در یک چشم به هم زدن گوشی‌هایشان را می‌قاپیدم.

از این تعداد گوشی که دزدیدی چقدر گیرت آمد؟

خود گوشی را که ما نمی‌توانیم بفروشیم چون خیلی زود با اولین سیم کارت دریایی می‌شوند اما با اوراق کردن گوشی از وسایلش استفاده می‌کردیم و به موبایل فروشی‌ها می‌فروختیم.

## ۳ دوست به همدار بلال فروش گوش ندادند

## ۲ دقیقه تا مرگ



**ابیدین زراقی** سه سرشنسین پژو پارس که در جاده چالوس در حال حرکت بودند بعد از بی‌توجهی به هشدار یک بلال فروش دچار حادثه شدند و سیلاب یکی از آنها را تا دو قدم مانده به مرگ پیش برد.

امیربهادر اسماعیلی، نجاتگر استان البرز در گفت‌وگو با خبرنگار «ایران»، با اشاره به عملیات سخت نجات یک نفر در رودخانه اطراف سد کرج، اظهار داشت: بعد از ظهر پنجشنبه ۱۸ خرداد وضعیت قرمز اعلام شده بود و ما به سمت جاده چالوس حرکت کردیم و بعد از تونل ۶ دره تکاوران به سیلاب شدید برخورد کردیم.

وی افزود: وقتی ما تونل ۶ را رد کردیم یک بلال فروش به ما گفت که من به سرشنسینان یک پژو پارس تذکره دادم که سیلاب شدید است اما آنها گوش نکردند و رفتند و ما بعد از شنیدن این خبر سریع به سمت محل سیلاب حرکت کردیم.

این نجاتگر استان البرز تصریح کرد: این افراد سه مرد بودند که وقتی سیلاب با آنها برخورد می‌کند ۲ نفر از آنها از ماشین به بیرون پرت می‌شوند و نفر سوم در ماشین می‌ماند و بعد از اینکه سیلاب با ماشین برخورد می‌کند بیش از ۱۰۰ متر آن را به سمت دره پرت می‌کند.

اسماعیلی در توضیح ادامه ماجرا می‌افزاید: فرد سوم نیز در نهایت از ماشین به بیرون پرت می‌شود و سیلاب در حال بردن او به سمت سد کرج بود که ما این فرد را مشاهده کردیم و به سرعت اقدامات لازم را برای نجات او انجام دادیم.

وی با اشاره به اینکه دو نفر سرشنسین این خودرو که در ابتدا از ماشین خارج شدند تصور می‌کردند سرشنسین سوم فوت کرده است، تأکید کرد: آنها فقط از ما درخواست می‌کردند که جنازه او را برای آنها پیدا کنیم و می‌گفتند او حتماً مرده است.

این نجاتگر استان البرز بیان داشت: تا ما رسیدیم دیدیم که او نزدیک سد است و اگر به سد می‌رسید قطعاً غرق می‌شد. وقتی ما بالای سر او رسیدیم مشکوک به خونریزی داخلی و ضربه به سر بود به همین دلیل به سرعت اقدامات اولیه را برای سنجش سلامتی او انجام دادیم.

اسماعیلی عنوان کرد: او به علت سردی هوا بشدت دچار شوک و سرمازدگی شده بود و به علت حجم بالای گل و سنگ سرعت سیلاب کند بود و این باعث شده بود که غرق نشود اما اگر تنها دو دقیقه دیرتر می‌رسیدیم او قطعاً وارد سد می‌شد و فوت می‌کرد.

وی با اشاره به اینکه عدم توجه به هشدارهای ایمنی چگونه می‌توانست جان یکی از این افراد را به خطر بیندازد، افزود: به و به لطف خدا حال هر سه نفر مساعد است.

عدم توجه به هشدارهای ایمنی توسط هومطان همواره تبعات ناگواری به دنبال دارد و متأسفانه این نفر بدون توجه به هشدار سازمان هواشناسی و حتی هشدار بلال فروش کنار جاده دقایقی قبل از آن، در حال رقم زدن حادثه تلخی بودند.



## حوادث جنایی

## حادثه مرگبار در مزون لباس عروس نیاوران

مرد جوان که همراه همسرش برای خرید از یک مزون به این محل رفته بود، دستخوش حادثه‌ای مرگبار شد.

به گزارش «ایران» همه چیز به حدی سریع و هولناک اتفاق افتاد که هضم حجم فاجعه برای اهالی ساختمان مسکونی در نیاوران سخت بود. ابتدا صدای مهیبی بلند شد، چیزی شبیه زلزله که در یک لحظه ساختمان را لرزاند.

ساکنان این ساختمان که عصر جمعه ۱۹ خرداد امسال در خانه‌هایشان بودند، سراسیمه وارد راه‌پله‌ها شدند. صدای همههمه افراد مضطرب از طبقه اول به گوش می‌رسید. یک نفر فریاد می‌زد و می‌گفت کسی در آسانسور بود. شنیدن واژه آسانسور و حرف‌هایی مثل اینکه اهالی به هم می‌گفتند «بفرق را قطع کن» کافی بود تا کسانی که گیج و مبهوت در حال تماشای بودند، متوجه شوند که آسانسور در حال حرکت رو به بالا سقوط کرده و وجه بد ماجرا این بود که برخی می‌گفتند یک نفر در آسانسور بود!

دلواپسی اهالی ساختمان تمامی نداشت. لحظه‌های سختی برای آنها سپری می‌شد. هرکس احتمال می‌داد شاید یکی از اعضای خانواده‌اش وارد آسانسور شده باشد. همه تلفن به دست داشتند و به عزیزان خود زنگ می‌زدند. بعد نفس راحتی می‌کشیدند، اما اضطراب از نامشخص بودن هویت کسی که داخل آسانسور است، ولوله‌ای در میان اهالی ساختمان انداخته بود.

در همین زمان حل جوانی از یک واحد آپارتمان مسکونی بیرون آمد و هاج و واج اهالی را نگاه می‌کرد. یکی از واحدهای مسکونی در خانه خود مزون لباس عروس و لباس شب داشت و گاهی اوقات مشتریانی به خانه‌اش می‌آمدند و در اتاق پرو لباس‌های مورد نظرشان را می‌پوشیدند. زنی که مضطرب و مبهوت به اهالی چشم دوخته بود هم یکی از مشتریان همین مزون بود. می‌گفت چند دقیقه پیشتر نیست که وارد ساختمان شده و قرار بود همسرش هم بعد از او به مزون بیاید تا لباس مورد نظرش را با کمک او پیدا کنند. او هم مثل بقیه اهالی بسیار دل‌نگران بود.

امدادگران آتش‌نشانی برای ورود به چاله آسانسور از راه رسیدند و دقایقی بعد پیکر بی‌جان شوهر مشتری مزون را بیرون کشیدند. صدای شیون زن جوان ساختمان را پر کرده بود. اهالی باورشان نمی‌شد که چنین حادثه هولناکی در ساختمان محل زندگی‌شان رقم خورده باشد.

بلافاصله رسیدگی به موضوع در دستور کار محمدحسین زارعی، بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت و تیم جنایی برای بررسی موضوع راهی محل حادثه شدند. جسد با دستور بازپرس جنایی به پزشکی قانونی منتقل شد تا معاینات لازم برای تشکیل پرونده قضایی انجام شود.

چنانچه شخصی در رابطه با تعمیر آسانسور مقرر شناخته شود به قصور او در مراجع قضایی رسیدگی خواهد شد.

بنا بر این گزارش، تحقیقات در این پرونده در شعبه دوم دادسرای جنایی تهران در جریان است.

## مرگ هولناک زن جوان کنار رودخانه

رئیش کوه در حاشیه رودخانه مرگ یک زن جوان را رقم زد.

به گزارش «ایران»، روز جمعه و تفریح در کنار خانواده ۲ جزیه جدا نشدنی هستند. مثل جمعه گذشته مورخ ۱۹ خرداد امسال که برخی خانواده‌های تهرانی بار و بنه را جمع کرده و از صبح زود در کنار رودخانه کمپ کرده بودند تا از هوای خنک لب رودخانه آخرین روزهای بهار بی‌نصیب‌مانند.

آنها فکرش را هم نمی‌کردند که به جای یک خاطره خوش، شاهد چنان صحنه دلخراش و هولناکی خواهند بود که شاید تا سالیان سال از ذهن و روحشان پاک نشود.

در میان همه کسانی که در حاشیه رودخانه نشسته بودند زوج جوانی هم در کناری نشسته بودند. در یک لحظه سنگ عظیم الجثه‌ای از بالای کوه کنده شد و جلوی پای زن جوان زمین خورد. شدت برخورد به حدی زیاد بود که همان سنگ مجدداً بالا آمد و این بار با شدت در صورت زن جوان برخورد کرد. زن جوان مقابل چشمان نامزدش و بقیه مردم غرق در خون روی زمین افتاد و سر و صورتش متلاشی شد. مردم وحشتزده خیلی سریع نیروهای اورژانس را خبر کردند اما در همان لحظه برخورد کار از کار گذشته بود و زن جوان به کام مرگ فرورفت.

به این ترتیب رسیدگی به موضوع در دستور کار محمدحسین زارعی بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت و تیم جنایی برای تحقیق درباره نحوه مرگ این زن راهی محل حادثه شدند. شاهدان عینی که صحنه دلخراش مرگ این زن را به چشم دیده بودند در تحقیقات نحوه فوت ناگهانی او را تشریح کردند.

جسد با دستور بازپرس جنایی برای طی روال قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد.



از این همه سرقت گوشی چقدر پول به دست آوردی؟

راستش را بخواهید کمتر از ۵ میلیون بیشتر کردم نیامد.

الان که بازداشت شدی چه احساسی داری؟

بشدت پشیمانم، این سرقت‌ها ارزش نداشت تا بار دیگر به زندان بروم.

قبلاً هم که سابقه داشتی پس چرا دوباره مرتکب شدی؟

نمی‌دانم دوستان ناباب مرا اغفال کردند و فریب خوردم.

## بازداشت عامل

## تقلید صدای دختران

مرد شبیاد با تقلید صدای دختران ماجرای یک گروه‌گانگبری را به خانواده‌ها خبر می‌داد و از آنها پول می‌گرفت. سرهنگ کارآگاه علی ولیپور گودرزی رئیس پلیس آگاهی پایتخت گفت: چندی قبل مرد جوانی به پایگاه یکم پلیس آگاهی مراجعه کرد و به کارآگاهان گفت: چند روز پیش فردی با شماره ناشناس به موبایلم زنگ زد و با تقلید صدای دخترم مدعی شد که او را گروه‌گان گرفته و اگر ۵۰۰ میلیون تومان طلا برایش ارسال نکنم دخترم را خواهد کشت؛ من نیز که بسیار ترسیده بودم طلاها را در مدت زمان کوتاهی تهیه و برایش در کرج ارسال کردم اما ساعتی بعد فرزندم به خانه آمد و عنوان کرد در طول روز در کلاس زبان بوده و به گروه‌گان گرفته نشده است. رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ ادامه داد: بنا بر حساسیت موضوع کارآگاهان وارد عمل شدند و با بررسی‌های موشکافانه پی بردند، یک مرد جوان با تقلید صدای دخترانه اقدام به این اعمال مجرمانه کرده و در این زمینه سابقه‌دار است. وی با بیان اینکه متهم از چند خانواده دیگر با همین سرگرد کلاهبرداری کرده بود، افزود: کارآگاهان در نخستین گام با بهره‌گیری از شیوه‌های کشف نوین جرم و اقدامات اطلاعاتی هویت اصلی و مخفیگاه متهم را در کرج شناسایی کردند و بی‌بردار مرد جوان قصد دارد تا طلاهای سرقتی را بفروشد.

این مقام انتظامی با بیان اینکه کارآگاهان پس از دریافت این اطلاعات مهم با هماهنگی‌های لازم با مرجع قضایی راهی مخفیگاه متهم شدند و او را در یک عملیات منسجم دستگیر کردند، افزود: متهم پس از انتقال به پایگاه یکم پلیس آگاهی در تحقیقات ابتدایی به جرم خود مبنی بر کلاهبرداری از مالباخته و چند خانواده دیگر در شمال تهران، با سرگرد تقلید صدای دخترانه تحت عنوان گروه‌گان گرفته شدن فرزند خانواده اعتراف کرد. سرهنگ کارآگاه ولیپور گودرزی با اشاره به اینکه متهم با اجرای نقشه قبلی و دقیق این اقدام را انجام می‌داد و به تازگی از زندان آزاد شده است، خاطر نشان کرد: با صدور قرار قانونی از سوی مرجع قضایی متهم برای کشف جرایم احتمالی و شناسایی سایر شکات، در اختیار کارآگاهان پایگاه یکم پلیس آگاهی قرار گرفت.

